

آمریکا: برادر بزرگ!!



روشی که با سیاست صلح آمیز و انسانی کشور کانادا سازگاری بسیاری دارد و کانادا را به عنوان کشور حافظ صلح و ثبات در جهان معرفی می‌دارد.

یکی از کدورت‌های سیاسی اخیر میان کانادا و آمریکا، شرکت نکردن کانادا در طرح عظیم و پر خرج پروژه سیستم دفاع موشکی آمریکاست، دولت بوش چون نتوانست موافقت کشورهای بزرگ صنعتی اروپا را در سهم‌گیری در این پروژه، حاصل نماید، چشم‌امیدش را به همسایه دردیوارش کانادا دوخت تا حداقل از نظر سیاسی هم که شده است، از این پروژه، جانبداری نماید. اما پال مارتین، صدراعظم کانادا، قاطعانه اظهار داشت، که دولت او هیچ تمایلی برای شرکت در این پروژه‌ی بلند پروازانه‌ی نظامی آمریکا ندارد.

آمریکا هم برای گوش مالی برادر کوچک‌ترش -کانادا- منبع صدور حیوانات (گاو و گوساله) که قرار بود به تاریخ ۲۸ فبروری امسال لغو گردد، بار دیگر تمديد کرد که ضربه‌ای بزرگ را بر تجارت دامداری کانادا وارد ساخت. ضمناً دولت آمریکا، قیوداتی را بر صادرات چوب کانادا به آمریکا از چند سال به این طرف وضع کرده است که خسارتی بزرگ را بر صنعت چوب کانادا وارد آورده است.

عشق به آزادی و بهرورزی انسان، موهبتی است که آسان و ارزان بدست نمی‌آید. لاجرم در مقابل بهره‌گیری از این گونه مواهب عزیز و والا، بهائی باید پرداخت؛ بهائی که کاندائی‌های صلح دوست، بوسیله فشارهای اقتصادی آمریکا می‌پردازند. / پایان

نگرفتن کشورهای اروپائی (به استثنای انگلستان) در تهاجم به عراق می‌باشد.

آمریکا که از فرمانبرداری هم‌پیمانان سابق خود (اروپا) مأیوس گردیده است، اکنون توجه‌اش را به کشورهای اروپای شرقی که تازه از اسارت سیاسی و اقتصادی شوروی سابق رهایی یافته‌اند متمرکز ساخته است تا با کمک‌های اقتصادی و نظامی و عضو ساختن این کشورها در پیمان نظامی اتلانتیک شمالی (ناتو)، اولاً: در صحنه سیاست اروپا حضوری فعال داشته باشند و ثانیاً: از ظهور مجدد اروپا به عنوان یک وزنه‌ی بزرگ سیاسی و نظامی در جهان، جلوگیری نماید.

و اما اگر آمریکا، از نافرمانی کشورهای اروپائی ناراحت است، از دوری و بی‌مهري کانادا نسبت به خود دل خون می‌باشد. زیرا به لحاظ جغرافیایی و فرهنگی، آمریکا از برادر کوچک‌ترش کانادا توقع ندارد تا این گونه به پیشنهادهای برادر بزرگ‌ترش بی‌توجهی نشان دهد. زیرا به عقیده‌ی اکثریت ساکنین اروپائی تبار آمریکای شمالی، آمریکا و کانادا عضو یک خانواده به حساب می‌آیند و به همین دلیل توقع آمریکائیان از برادران کانادایی‌شان به مراتب بیشتر از برادران اروپائی می‌باشد

خوشبختانه در این دوازده سال اخیر، کانادا از دولت مداری حزب لیبرال بهره‌مند بوده است. حزبی که تلاش بسیار ورزیده است تا استقلال سیاست خارجی کانادا را هر چه بیشتر حفظ و تعمیم نماید و از شرکت در ماجراجویی‌های سیاسی و نظامی آمریکا دوری گزیند.

نمی‌دانم شما هم گاهی به اندیشه فرو رفته‌اید که تقدیر ما افغان‌ها این بوده و هست که در هر کجای جهان زیست نماییم باید سبطه‌ی یک برادر بزرگ هم روی سر ما باشد. تا در وطن عزیز بسر می‌بردیم، هیبت برادر بزرگ همسایه شمالی ما - اتحاد جماهیر شوروی سابق - روی سر ما سنگینی می‌کرد و حال که بعد از دربدری‌های بسیار، مقیم کانادا گشته‌ایم، باز هم از قضای روزگار در کنار برادر بزرگی دیگر، یعنی: همسایه‌ی بزرگ‌جنوبی - ایالات متحده آمریکا - قرار گرفته‌ایم؛ مثل اینکه سرنوشت ما افغان‌ها این بوده و هست که از شر این برادران بزرگ، هرگز رهایی نیابیم.

و اما آمریکا نه تنها خود را برادر بزرگ‌تر کانادا، بل که برادر بزرگ تمام جهان می‌داند و مایل است ارشاد‌اتش را برای تمام مردم جهان دیکته فرماید! غافل از این که دیگر این دوران به سر آمده است؛ دیگر نه گول کمونیزم خطر جدی برای جهان سرمایه‌داری محسوب می‌گردد تا آمریکا کشورهای به اصطلاح «جهان آزاد» و منجمله اروپائیان را از آن بترساند و نه هم از امپراطوری عظیم اتحاد جماهیر شوروی سابق در صحنه‌ی سیاست جهانی، اثری بر جای مانده است.

کشورهای اروپائی سال‌هاست که به دستورات برادر بزرگ - یعنی آمریکا - واقعی نمی‌گذارند و به ویژه با وحدت هر چه بیشتر اروپا، سیاست‌های مستقلانه خویش را در پیش می‌گیرند. مثال‌های بارز آن: استقلال سیاست خارجی کشورهای اروپائی در مسائل شرق میانه، ایران، پیمان کیوتو و ... می‌باشد. آخرین مثال این نافرمانی سهم

آمریکا اگر از نافرمانی کشورهای اروپائی ناراحت است،

از دوری و بی‌مهري کانادا نسبت به خود دل خون می‌باشد. زیرا به لحاظ جغرافیایی و فرهنگی،

آمریکا از برادر کوچک‌ترش - کانادا - توقع ندارد تا این گونه به پیشنهادهای برادر بزرگ‌ترش بی‌توجهی نشان دهد.